

❖ نقطه‌ها

{اعجام}

حماسه‌ای عراقی

❖ سان انطون

ترجمه

❖ مسعود یوسف حصیرچی

❖ نشر همان

تهران-۱۳۹۸



I'jaam: An Iraqi Rhapsody

Sinan Antoon

City Lights Publishers, San Francisco, 2007

ترجمہ مسعود یوسف حصیرچین

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۷۷۰

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ و صحافی: سیددار

ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

نَشْه هَمَان

توران، خیابان خواجه نصیر طوسی،

خیابان یادگان ولی عصر، شماره ۶،

۳. اجتماع میمر طریقه اول، واحد ۳

تلفون: ۰۴۵۶.۹۹۱۲. (+۹۸)

(+91 21) 252191

www.humanpath.com

Email: info@humanpub.com

@hamanpub

فہرست کتابخانہ ملی

Antoon, Sinan. انطون، سنان، ١٩٦٧ م.

عنوان و نام پدیدآور: نقطه‌ها: حماسه‌ای عراقی / سنان انطون

جمہ مسعود یوسف حصیر چین.

مشخصات: تهران، همان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.؛

شایک: ۹۷۸-۹۹۷۵-۲-۷

وضعیت فهرست نویسی فیبا

موضوع: داستان‌های بزرگ -- عراق -- قرن ۲۱ م.

شناسه افزوده: یوسف حصاری، موعود، ۱۳۶۹، مترجم

دهمندی کنگه: ۱۳۹۶ ۳۱ الف/۴۹۱۲ PJA

دهبندی دیو: ۸۹۲/۷۳۷

شماره کتاب شناسی، ملی: ۵۰۲۴۳۶۷

کاغذ بالکی و سبک این کتاب در

کمپانی هولمن سوئڈ و بارعایت

قواعد زیست محیطی تولید شده

و دارای نشان استاندارد بین‌المللی

انجمن سرپرستی جنگل است.



MIX

FSC
www.fsc.org

Paper from
Responsible
Sources

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

پیشگفتار مترجم

نام گیلگمش، پادشاه اسطوره‌ای اوروک که یک سوم انسان و دو سوم خداست، می‌خواست به مرگ آگاهی و هراس از مرگ آورده می‌شود اما شخصیت گیلگمش وجه دیگری هم دارد. در لوح نخست گیلگمش آمده که او حاکمی مستبد است و به دم شهر «به هراس و حیرت» در او می‌نگرند و در زیبایی و نیرومندی بنات است که هرگز چون او بی به جهان نیامده است» و «شیر را از کنامش به در می‌کشد، چنگ بر یال می‌افکند و به زخم دشنه می‌کشد. نرگا و وحشی را به زخم کاتند و زورمند شکار می‌کند.» باز هم در لوح نخست درباره چگونگی نفوذ و پیروزی گیلگمش می‌خوانیم که «سخنانش در همه شهر قانون است» و «ارابه او نران را از فرمان پدر برتر است.» در ادامه وصف ستمگری گیلگمش می‌شنویم که «هر پسر از آن پیشتر که به مردی رسد به خدمت شبان بزرگ شهر در می‌آید. از برای شکار یا سپاهی‌گری، نگهبانی رمه‌ها یا پاس داشتن بناها، به دبیری یا خدمت در پرستشگاه مقدس.» اما این همه گیلگمش را راضی نمی‌کند، او حاکمی تمامیت‌خواه است که دست‌درازیش به آزادی‌های مردم پایانی ندارد. در ادامه لوح آمده است:

«گیلگمش معشوقه را به نزدیک معشوق راه نمی‌دهد. دختر مرد توانا را به نزد پهلوان وی نمی‌گذارد... آنان به درگاه خدایان بزرگ،

به درگاهِ خدایانِ آسمان و خداوندانِ اوروکِ مقدسِ فغان برداشتند؛
«شما نرگاو وحشی آفریدید و شیر یالدار آفریدید؛ خداوندگارِ ما
گیلگمش از آن همه نیرومندتر است. او جفتِ خود را نمی‌یابد.
قدرت او بر سرِ ما زیاده است؛ معشوقه را به نزد معشوقِ وی راه
نمی‌دهد و دخترِ پهلوان را به نزدیکِ مردِ خود نمی‌گذارد.»

میشل استیون این بخش از نوشته را شاهی می‌گیرد بر اجرای «حق
ارباب» توسط گیلگمش. به واسطهٔ قانونِ حقِ ارباب، فرمانروایان محلی حق
داشتند که در شب ازدواج رعیت‌هایشان، پیش از داماد با عروس همبستر
شوند. در حالی که برخی مورخان در وجود چنین قانونی تردید می‌کنند،
مورخان و ادیب‌شناسان بسیاری باور دارند که چنین قانونی وجود داشته و
در بخش‌هایی از روستا توسط اربابان فئودال اجرا می‌شده است. احمد شاملو
در ترجمهٔ این بخش از گیلگمش می‌گوید که این رسم در زمان‌هایی نه چندان
دور، در ایران هم رواج داشته است. در کتاب گران قدر هوشنگ گلشیری، شازده
احتجاب، هم آمده است که «نروخان هیچ نشانی از اجدادش ندارد؛ «نه
آدم می‌کشد و نه هر شب با دختری باکره می‌خوابد» یا «پدر بزرگ هر
شب با یک دختر باکره می‌خوابد.» که شاید نشانهٔ این باشد که در ایران هم
فرمانروایان چنین حقی را برای خود تائید کرده‌اند.

گفته می‌شود که حاکمان با اعمال این حق، وفاداری رعیت را
می‌سنجیده‌اند و البته دیگر بار به او یادآوری می‌کرده‌اند که نه تنها
می‌توانند در خصوصی‌ترین لحظات او حضور داشته باشند، «خود در این
خصوصی‌ترین لحظات «حق» آنهاست. اگر چه تصور چنین رویه‌ای در
جهان کنونی بعید می‌نماید اما در نیمهٔ دوم قرن بیستم، موبوتو ساسه سوکو،
دیکتاتور جمهوری زئیر (کنگو فعلی)، این حق را برای فرماندهان محلی خود
احیا کرد.

به هر روی، در حال حاضر می‌شود گفت که این حق به صورت
قانونی به رسمیت شناخته نمی‌شود اما به سادگی می‌توان میل حاکمان را به

از بین بردن حریم خصوصی شهروندان و حضور داشتن در آن مشاهده کرد. هر از چندگاهی از گوشه‌ای از دنیا خبر می‌آید که تلفن‌های شهروندان شنود می‌شود، در منازل و دفاتر شنود کار گذاشته می‌شود و پیامک‌ها و ای‌میل‌های آن‌ها در اختیار دستگاه‌های امنیتی قرار می‌گیرد.

صدام حسین، دیکتاتوری که داستان این کتاب در دوره حضور او در قدرت می‌گذرد هم از این قاعده مستثنی نیست، او نیز که مانند گیلگمش از بین‌النهرین برخاسته، فضایی را به وجود می‌آورد که شهروندان در هر لحظه حضور چشم‌ها و گوش‌های سازمان‌های امنیتی را حس کنند؛ از این‌که مردم کشور مورد تجاوز بودند مانند مردم کره شمالی عکس رهبرشان را در بهترین جای خانه نصب کنند گرفته تا این‌که کودکان در مدرسه می‌آموختند که باید خبرچینی پدر و مادرهایشان را بکنند.

اما به نظر می‌رسد که در پس این رفتارها، مسأله دیگری هم وجود دارد: دیکتاتورها از عشق و حریم خصوصی می‌ترسند و می‌خواهند تا حد ممکن اختیار این دو را در دست بگیرند. احساسات شخصی را از میان دو نفر حذف کنند، باشد که بتوانند از رفتار آن بکاهند. در بسیاری از آثار ادبی دیستوپیایی، عشق یکی از عواملی است که جسم قهرمان داستان را بر حقایق می‌گشاید و به تدریج او را به طغیان علیه وضع موجود وامی‌دارد و این فرایند در جایی اتفاق می‌افتد که در نظارت سازمان جامع نیست. بعضی از دیکتاتورها می‌کوشند مانند رهبران کره شمالی کاملاً مردم را به صفتی برای رهبران تبدیل کنند و بعضی دیگر تلاش می‌کنند بر سر راه مردم و ورزی قید و بندهایی بگذارند یا مانند گیلگمش در میان عشق‌بازی شهروندان خرد قرار گیرند تا از جنبه خصوصی آن بکاهند و حضور خود را در آن تثبیت کنند، مبادا آن دو نفر احساسی داشته باشند که تحت نظارت حاکم نباشد و این حس پنهانی بتواند به نیروی بدل شود که آن‌ها را به سوی آزادی سوق دهد و آن‌ها بر اساس علایقی شخصی، و نه علایقی که از بالا دستور داده شده، زندگی کنند و به تدریج به دیگر قیود دیکتاتور هم بی‌اعتنا شوند.

برای مثال، رمان‌های ۱۹۸۴، دنیای قشنگ نو^۱ و ما^۲ نمونه‌های کلاسیک چنین فضایی هستند. جامعه‌ای که تقریباً به‌تمامی به وسیله میکروفون و دوربین در معرض دید حکومت است یا این‌که همه بناهای آن از مصالح شفاف ساخته شده. اما وقتی قهرمان داستان به جایی می‌رود که گمان می‌کند دستگاه شنود در آن کار گذاشته نشده یا به تنها خانه‌ای می‌رود که مصالحش اندکی مات است، کم‌کم جرعه‌های انحراف از تفکر تجویزی زده می‌شود و در نهایت به شورش علیه وضع موجود می‌رسد. همین مساله را می‌توان در فارنهایت ۴۵۱^۴ هم دید که در آن روابط غیرشخصی شده و زن و شوهرها چیزی از زندگی شخصی گذشته‌شان به یاد نمی‌آورند یا در رمان سرگذشت ندیمه^۵، عایشا^۶ بودای بزرگ، کمکشان کن^۶ همه روابط جنسی تحت نظارت و به دست اقلد حاکم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این جوامع، زندگی شخصی افراد به حوزه عمومی تبدیل شده و به این ترتیب حاکمان در آن حضور می‌یابند و احتیاجاتش را به دست می‌گیرند. یکی از اهداف چنین فرایندهایی از بین بردن هرگونه حس علاقه و وفاداری به کسی جز حاکم است. برای مثال در ۱۹۸۴ یا مثال اقلد^۷، در اردوگاه‌های کارکره شمالی، می‌بینیم که فرزندان والدین خود را به خود می‌دهند و یا در ما و دنیای قشنگ نو^۸ می‌بینیم که نویسندگان از این هم جلوتر رفته و نهاد خانواده را به کلی حذف کرده‌اند.

نقطه‌ها (انجام) می‌کوشد نشان دهد که این احساس وابستگی چگونه می‌تواند باعث شود دختر و پسر به خاطر عشق به هماینگ‌ها^۹ عادات را به جان بخرند و به قوانین صدام بی‌اعتنایی کنند و این‌که چگونه عشق می‌تواند

۱. نوشته جورج اورول، ترجمه صالح حسینی، انتشارات نیلوفر
۲. دنیای قشنگ نو، نوشته آلدوس هاکسلی، ترجمه سعید حمیدیان، انتشارات نیلوفر
3. We, Yevgeny Zamyatin, Avon Books
۴. فارنهایت ۴۵۱، نوشته ری بردبری، ترجمه علی شیعه‌علی، انتشارات سبزان
۵. سرگذشت ندیمه، نوشته مارگارت اتوود، ترجمه سهیل سمی، انتشارات ققنوس
۶. بودای بزرگ کمکشان کن، نوشته الکسی کارانتسیف، ترجمه آبتین گلکار، انتشارات بیدگل

حتی در زندان و تحت شکنجه به فرد قدرت ببخشد که در برابر دیکتاتور مقاومت کند.

نقطه‌ها (انجام) نخستین اثر داستانی سنان أنطون است که توانسته تحسین منتقدان بسیاری را برانگیزد. این کتاب را از ترجمه انگلیسی آن که توسط خود أنطون انجام شده، ترجمه کرده‌ام و سپس به کمک بعضی از استادان و دوستانم، به‌ویژه خانم خلود سبهانی، آن را با متن اصلی عربی تطبیق داده‌ام؛ با دار که همین جا از آنان تشکر کنم. از آن جا که در ترجمه انگلیسی هم رگان عربی حفظ شده است، به پیشنهاد دوست عزیزم، دکتر علی زاهد، تمیم گریسم که بخشی از نقل قول‌های مستقیم را به صورت عربی در متن فارسی نگه دارم تا بتوانم حال و هوای عربی متن را حفظ کنم، به‌خصوص با توجه به اینکه مخاطب ایرانی بیش از مخاطب انگلیسی زبان با زبان عربی آشنایی دارد. بنابراین، بی‌شک خودم می‌دانم که از خانم لیدا ظهوررحمتی به خاطر تهیه و ارسال کتاب اصلی از هلند تشکر کنم.

برای نوشتن این پیشگفتار از منابع زیر بهره برده‌ام:

- Gottlieb, E. (2001). *Dystopian Fiction East and West: Universe of Terror and Trial*. McGill-Queen's University Press.
- Mitchell, S. (2006). *Gilgamesh: A New English Version*. New York: Free Press.
- Van Reybrouck, D. (2014). *Congo: The Epic History of a People*. HarperCollins.

گیلگمش، ترجمه احمد شاملو، نشر چشمه